



امارات

۱- توسعه شبکه جهانی بندرداری
امارات پس از موفقیت‌های بندر دبی، قصد دارد از تجارب خود در بندرداری استفاده و شبکه‌ای از بنادر را ایجاد کند.

حضور امارات در یمن، سودان، سومالی و جیبوتی در همین راستاست. یکی از اهداف امارات از حضور در لیبی استفاده از ظرفیت تجاری سواحل گسترده این کشور در ساحل مدیترانه است. یکی از شاخه‌های بندرداری امارات سوخت‌رسانی به کشتی‌هاست که لیبی با مایادن نفتی خود می‌تواند سود فعالیت‌های بندری امارات در لیبی را دوچندان کند. امارات با توجه به چشم‌انداز اتمام نفت از اهمیت افتادن این ماده در جهان به دنبال حوزه‌های دیگری برای ثروت‌سازی بود که بندرداری را برای این سیاست خود انتخاب کرد. بندرداری به جز ثروت‌سازی برای امارات تا حدی مشکل ضعف عمق راهبردی کم این کشور را نیز پوشش می‌دهد. شبکه طولانی بنادر باعث می‌شود در صورت مسورد حمله قرار گرفتن منافع امارات این منافع در محیطی کوچک مجتمع نباشند تا بتوان در حمله‌ای کوچک آنها را از بین برد.

۲- مبارزه با فعالیت‌های اخوانی

اماراتی‌ها رابطه خوبی با اخوانی‌ها ندارند و این گروه را تهدیدی ضد خود و منافع‌شان می‌دانند. از نگاه ابوظبی به‌عنوان یکی از کشورهای محافظه‌کار جهان عرب اخوان المسلمین ابزار دست کشورهایمانند ترکیه و قطر برای دخالت در کشورهای عربی است. پس هر جا که تفکرات اخوانی ریشه بدواند به‌معنای بهره بردن ترکیه و قطر از بیشتر منافع در آن منطقه است که خود می‌تواند باعث کاهش منافع امارات شود.

پس از روی کار آمدن اخوان المسلمین در مصر، قاهره به متحد محور ترکیه-قطر تبدیل شد، اما با کودتای السیسی که با حمایت امارات صورت گرفت قاهره بار دیگر به شکل متحدی قابل توجه برای محور عربستان-امارات درآمد. اماراتی‌ها حتی ادامه حکومت عمر البشیر را که دارای ریشه‌های اندکی از اخوانی‌گری بودند نیز تاب نیاوردند و با نظامیان این کشور برای کودتای علیه وی همکاری کردند.

مصر

۱- تداوم مبارزات ضد اخوانی

دولت‌وفاق ملی لیبی به تفکرات اخوانی نزدیک است، گروهی که عبدالفتاح السیسی دیکتاتور فعلی مصر با کودتای اصلی‌ترین شاخه آن یعنی «اخوان المسلمین مصر» را در سال ۲۰۱۳ ساقط کرده است. پس از کودتای علیه محمد مرسی، رئیس‌جمهور اخوانی مصر روابط آنکارا با دولت کودتا به شدت تیره شد و از آن پس رهبران دو کشور به‌صورت دوره‌ای با یکدیگر وارد جنگ لفظی می‌شوند. با چنین مختصاتی قاهره با مدیریت السیسی و دیگر نظامیان نمی‌تواند شاهد حضور دولتی اخوانی تحت حمایت ترکیه در مرزهای طولانی خود در سمت غرب باشد، برای دولت نظامیان در مصر خشک‌شدن ریشه‌های اخوان المسلمین در مناطق پیرامونی‌شان امری مطلوب به‌شمار می‌رود.

۲- حضور در لیبی برای کسب منافع و کمک

لیبی یک زمین بازی جهانی است که مصر با حضور در آن می‌تواند از مواهب آن بهره‌برداری کند. کشورهای زیادی از آمریکا، روسیه، کشورهای اروپایی و منطقه‌ای از بحران این کشور درگیر هستند. حضور مصر در بازی لیبی می‌تواند کمک‌های مالی و نظامی را از کشورهای ثروتمند حامی خلیفه حفرر مانند عربستان سعودی و امارات به سمت قاهره روانه کند.

فرانسه

۱- مبارزه با اسلام سیاسی

فرانسه به‌دلیل تاریخی نفوذ گسترده‌ای در شمال آفریقا داشته و تعداد زیادی از مسلمانان این منطقه به فرانسه مهاجرت کرده‌اند، این گروه‌ها گرچه تا حد زیادی تحت‌تأثیر فرهنگ فرانسه قرار گرفته‌اند، به‌طور کامل جذب جامعه این کشور نشده‌اند و همچنان خود را مسلمان می‌دانند. حضور اسلام سیاسی از طریق تفکرات اخوان المسلمین در مرزهای اروپا می‌تواند باعث تحریک جمعیت‌های مسلمان در اروپا و به‌ویژه فرانسه شوند. به همین دلیل پاریس می‌خواهد با کمک به خلیفه حفرر اسلام‌گرایان را در طرابلس سرکوب کند.

۲- حضور در بازار انرژی لیبی

شرکت‌های نفتی فرانسه مانند توتال حضور گسترده در بازار نفت دارند. پاریس می‌کوشد با استفاده از نفوذ سیاسی و نظامی خود شرکت‌های این کشور را در کسب سهم از بازار نفت یاری کند. از بین کشورهای حامی خلیفه حفرر فرانسه دارای تکنولوژی‌های پیشرفته برداشت و پالایش نفت است که حتی دیگر کشورهای جهان نیز از آن برخوردار نیستند. در صورت پیروزی خلیفه حفرر شرکت‌های فرانسوی می‌توانند با شراکت و تأمین مالی عربستان و امارات دست به توسعه مایادن نفتی لیبی بزنند.

۳- افزایش نفوذ در شمال آفریقا

لیبی به‌صورت مستقیم تحت نفوذ فرانسوی‌ها نبوده، اما قرار داشتن آن تحت نفوذ رقیب در گذشته موجب شده است آنها از مسیر لیبی مناطق تحت کنترل فرانسه در شمال آفریقا مانند تونس را مورد تهدید قرار دهند. حذف کردن دولت اخوانی طرابلس و محدود کردن نفوذ ترکیه در غرب لیبی می‌تواند منطقه تحت نفوذ فرانسه در شمال آفریقا را همچنان خالی از رقیب نگه دارد.

دخالت‌های بازیگران خارجی، طرابلس را در آستانه یک جنگ بین‌المللی قرار داده است

تقابل ائتلاف‌ها در لیبی



۳- سیستم موازنه در برابر ائتلاف‌های ضد ترکیه

فضای پیرامونی ترکیه به هیچ‌عنوان درک مثبتی از تحکرات ترکیه ندارد. این ذهنیت دارای ریشه‌های عمیق از دوران استعمارگری امپراتوری عثمانی است. اعراب ۴۰۰ سال مستعمره عثمانی بودند و معتقدند در آن دوران مورد استثمار قرار گرفته‌اند. ارامنه معتقدند عثمانی طی یک نسل کشی در جنگ جهانی اول باعث مرگ ۱/۵ میلیون ارمنی شده است. کرد‌ها که در غرب آسیا بیشترشان در ترکیه متمرکزند خود را تحت فشار دولت آنکارا می‌دانند و قصد دارند از این کشور استقلال بگیرند. کشورهای اروپایی واقع‌شده در شبه‌جزیره بالکان مانند بلغارستان، یونان، مقدونیه، رومانی و قبرستان نیز سابقه صدها سال زندگی تحت حکومت عثمانی را دارند. ایران هم ۶ قرن با عثمانی درگیری داشته است. تقریباً هیچ‌همسایه‌ای در اطراف ترکیه با بهتر است بگوییم در فاصله هزار تا دوهزار کیلومتری این کشور نیست که ذهنیت تاریخی خوبی نسبت به این کشور داشته باشد. به‌جز این ذهنیت تاریخی از لحاظ ساختاری هم قدرت‌گیری ترکیه برای اغلب کشورهای همسایه‌اش بسیار خطرناک است. از میان کشورهای همسایه ترکیه، تنها ایران است که قدرت‌گیری ترکیه خطری موجودیتی یا بسیار شدید علیه آن نیست. دیگر کشورهای همسایه ترکیه در بهترین حالت جمعیتی یک‌چهارم ترکیه دارند و وسعت‌شان و همچنین قدرت نظامی و مالی‌شان ده‌ها برابر کمتر از آنکاراست، به‌همین دلیل کشورهای کوچک‌تر به‌خاطر ظرفیت‌های کمترشان نسبت به ترکیه به یک همکاری حول مساله خطر ترکیه دست یافته‌اند.

ترکیب سابقه ذهنی و مسائل ساختاری کم‌رشد سختی در اطراف ترکیه ایجاد کرده و مانع از توسعه فضای حیاتی مورد نظر رهبران این کشور است. به‌همین دلیل ترکیه می‌کوشد برای موازنه ائتلاف ضد‌ترکیه‌ای به همکاری با برخی ظرفیت‌های در دسترس خود در منطقه دست بزند. این ظرفیت‌ها عبارتند از ارتباط با آذربایجان، جمهوری ترک‌نشین قبرس، ترک‌مانان عراق و نیز استفاده از ظرفیت‌های تفکرات سنی اخوانی در سوریه، لیبی و فلسطین. آنکارا می‌کوشد با استفاده از این «نیم‌متحده‌ها» که اغلب کشور نیستند، بلکه بخشی از یک کشور کوچک به حساب می‌آیند موازنه‌ای را در برابر کشورهای مخالف خود مانند یونان، رژیم جمهوریسیسی، قبرس، ارمنستان، بلغارستان و... ایجاد کند.

لیبی به‌دلیل وسعت قابل توجه و ذخایر مناسب و سواحل طولانی، متحدی مهم برای ترکیه جهت مقابله با رقبای منطقه‌ای است. لیبی با توجه به همسایگی با مصر می‌تواند بخشی از توان قاهره را به‌خود مشغول کند. امضای قرارداد تعیین مرزهای آبی میان لیبی و ترکیه در دریای مدیترانه یکی دیگر از امتیازاتی است که آنکارا از دولت مورد حمایتش در طرابلس به‌دست آورده است. این امتیاز به‌نوعی موازنه‌ای در برابر مخالفت‌ها و مواضع کشورهای منطقه مانند مصر و یونان ضد توسعه‌طلبی‌های دریایی ترکیه در مدیترانه است. آنکارا به‌دلیل وجود منابع گازی و نفتی در مدیترانه فعالیت‌های اکتشافی خود را در این دریا تشدید کرده که این اقدامات مورد مخالفت برخی کشورها قرار گرفته است.

۴- دستیابی به انرژی و پروژه‌های بازسازی لیبی

لیبی تا پیش از بحران یک میلیون بشکه نفت سبک مرغوب تولید می‌کرد که هزینه پایینی برای تولید داشت. ترکیه از سالیان پیش در کنار توسعه‌طلبی‌های ژئوپلیتیکی نگاهی به منابع انرژی نیز داشته است. یکی از دلایل شمشدشت ترکیه به استان نینوا به مرکزیت موصل در عراق، مساله نفت بود. ترکیه به‌دلیل کمبود ذخایر انرژی مجبور به واردات آن از رقبای خود مانند روسیه و ایران است. این کشور می‌کوشد با در دست گرفتن لیبی به منبعی مطمئن از انرژی دست پیدا کند و قدرت مانور خود را در رقابت‌های منطقه‌ای و جهانی

| تقسیم‌بندی محورها در لیبی | |
|---------------------------|-----------------|
| متحدان دولت وفاق ملی | متحدان ارتش ملی |
| ترکیه | عربستان سعودی |
| قطر | امارات |
| ایتالیا | مصر |
| بریتانیا | روسیه |
| آمریکا | فرانسه |

افزایش دهد. یکی دیگر از مقاصد ترکیه که خاندان اردوغان نیز در آن حضوری ویژه دارد افزایش سهم و سود در بازار انرژی است. ترکیه می‌کوشد خود را به پل عبور انرژی در منطقه تبدیل کند. خانواده اردوغان به‌خصوص پسران وی از انتقال انرژی و تجارت نفت در منطقه مانند خرید غیرقانونی نفت از اقلیم کردستان عراق و داعش و صادرات آن به رژیم صهیونیستی درآمد‌های کلانی کسب کرده‌اند.

ایتالیا

۱- سهم بردن از تجارت و نفت

ایتالیا چندین قرن پس از آغاز دوران استعمارگری قدرت‌های اروپایی مانند بریتانیا و فرانسه تازه به‌صورت رسمی در سال ۱۸۶۶ تشکیل شد. به‌تبع این تشکیل و اتحاد دیر هنگام، دولت رم بسیار بدموقع و با تجربه کمی وارد استعمارگری شد. ایتالیایی‌ها در سه کشور سومالی، اتیوپی و لیبی دست به ایجاد مستعمرات زدند که این اقدام برای آنها سود کمی به‌همراه داشت، درحالی‌که هزینه‌های گزافی از نظر مالی و تلفاتی به آنها وارد کرد. با آغاز دو جنگ جهانی نیز ایتالیایی‌ها شکست‌های بدی از دیگر قدرت‌های اروپایی خوردند و این مسائل باعث شد ایتالیا دیگر خود را در قلموس یک قدرت نظامی که می‌تواند نفوذ ایجاد کند، نبیند. ایتالیایی‌ها فعلی نیز از همین تجربه گرانبه‌ای استفاده می‌کنند؛ دولت رم به‌دلیل آگاهی از ناتوانی‌اش برای پیگیری برخی توسعه‌طلبی‌ها به‌صورت مستقیم کار زیادی به تحولات اندیشه‌ای در لیبی و گروه‌های بنیادگرا و مباحث ژئوپلیتیکی ندارد. بیشترین منفعت آنها امور تجاری و نفت است. این کشور سعی دارد به‌دلیل نفوذ تاریخی بیشتر بر طرابلس از دولت حاکم بر این شهر حمایت کند تا نیروهای خلیفه حفرر که پایگاه‌شان شرق لیبی است.

۲- ممانعت از حضور بازیگران بی‌ثبات‌ساز و رقیب

از نگاه دولت ایتالیامتحدان خلیفه حفرر برای این کشور خطرناکند. بخشی از متحدان حفرر دولت‌های محافظه‌کار و دیکتاتور عربستان سعودی و اماراتند که در قالب وهابیت کشورهای زیادی را ویران کرده‌اند و حضور آنها در جنوب ایتالیا قابل تحمل نیست. متحد دیگر حفرر روسیه است که اروپایی‌ها با وجود فروپاشی شوروی همچنان نگاه خوبی به آن ندارند. فرانسه نیز گرچه به‌خطرناکی دیکتاتورهای محافظه‌کار عرب و روسیه نیست، به‌هرحال رقیبی بزرگ برای ایتالیا در حوزه تجاری و نفت است.

بریتانیا

۱- تجارت و نفت

بریتانیا از سال‌ها قبل یکی از بازیگران بزرگ تجارت جهانی و نفت بوده است. لیبی با توجه به توانایی تولید یک میلیون بشکه نفت مرغوب می‌تواند جای خوبی برای حضور شرکت‌های بریتانیایی باشد. همچنین موسسات مالی بریتانیا می‌توانند با حضور در لیبی نقش بزرگی در تأمین مالی بازسازی این کشور و بیمه طرح‌ها ایفا کنند.

۲- یافتن اهرمی برای فشار بر اتحادیه اروپا

بریتانیا از مدت‌ها قبل به فکر خروج از اتحادیه اروپا بوده و تقریباً



آمریکا

۱- مخالفت با حضور روسیه در شمال آفریقا

تا پیش از پررنگ شدن حضور نظامی روسیه در لیبی، در ظاهر مشخص نبود و اشنگتن از کدام طرف به‌صورت قوی حمایت می‌کند، اما در ماه‌های اخیر با توجه به حضور نظامیان روسی در قالب شرکت امنیتی و اکثر کاخ سفید سیاست‌های خود در لیبی را ضد روسیه تنظیم کرده است. دیوید شکر، معاون وزیرخارجه آمریکا طی هفته‌های اخیر به‌صراحت اعلام کرد روسیه باید از سوریه و دیگر کشورهای خاورمیانه [لیبی] خارج شود و تأکید کرد این مساله سیاست چنددهه‌ای کشورش بوده است. انتشار تصاویری از حضور جنگنده‌های میگ-۲۹ و سوخو-۲۴ در لیبی باعث شد اخباری در رسانه‌ها منتشر شود مبنی بر قصد آمریکا برای استقرار یک تیپ از نیروهایش در تونس.

۲- تقویت راست‌های افراطی در اروپا

دولت دونالد ترامپ مدافع احزاب راست افراطی در اروپاست. یکی از دلایل رشد چنین گروه‌هایی در اروپا طی سالیان اخیر موج‌های بزرگ مهاجرت از سوریه و آفریقا بوده است. به همین دلیل از نگاه برخی کاخ سفید به ایجاد بی‌ثباتی در آفریقا جهت تقویت جریان‌های راست افراطی در اروپا چندان بی‌میل نیست. با این کار، او می‌تواند واگرایی در اروپا را تشدید و کشورهای اروپایی را در نهضات به‌سمت توافقات تجاری با آمریکا هدایت کند.

عربستان سعودی

۱- مبارزه با اخوان المسلمین

عربستان مانند امارات تفکرات اخوانی را خطری موجودیتی برای خود می‌داند که این تفکر می‌تواند آلت‌ناتوپی برای تفکرات وهابی باشد. از سوی دیگر اخوان المسلمین تحت نفوذ رقبای عربستان مانند ترکیه و قطر است. بر همین اساس ریاض می‌کوشد مانع از تسلط و تثبیت اخوانی‌ها بر طرابلس شود.

۲- ترویج وهابیت

تفکرات اسلامی در لیبی فضای مناسبی را در اختیار گروه‌های عمده‌تری از مسلمانان می‌گذارد که توانسته‌اند بر این کشور مسلط شوند. جمعیت مسلمان لیبی و مجاهدان لیبی می‌توانند سهم اخوانی‌ها شوند و مورد استفاده ترکیه قرار بگیرند یا جذب وهابیت شوند و در خدمت منافع سعودی‌ها باشند.



سید مهدی طالبی

روزنامه‌نگار

برای دومین بار در کمتر از یک دهه، لیبی در آستانه یک جنگ بین‌المللی قرار گرفته است. نخستین بار ۱۹ مارس ۲۰۱۱، دوروز پس از ایجاد منطقه پرواز ممنوع بر فراز لیبی، آمریکا، فرانسه و بریتانیا در قالب فرماندهی ناتو با هدف سرنگونی حکومت معمر قذافی، مداخله نظامی در این کشور آغاز کردند و این بار به‌نظر می‌رسد مصر به نمایندگی از یک ائتلاف منطقه‌ای و فرماندهی‌های وظیفه‌نواختن شیور جنگ را بر عهده گرفته است. در مداخله نظامی سال ۲۰۱۱، اگرچه معمر قذافی سرنگون شد، اما جنگ داخلی پس از آن، لیبی را -که به‌واسطه درآمدهای سرشار نفتی یکی از بهترین کشورهای آفریقایی در سطح زندگی بود- به ویرانه‌ای بی‌فرجام با دو دولت و دو پارلمان تبدیل کرده است. دومین جنگ در هواخواهی از هر کدام از این دولت‌ها برای شروع تنها نیاز به یک جرقه دارد. در یک سوی این میدان دولت وفاق ملی «به ریاست فائز سراج و حمایت ترکیه، قطر، ایتالیا، انگلیس و آمریکا قرار دارد و در سوی دیگر «ارتش ملی» لیبی به ریاست ژنرال حفتر تحت حمایت مصر، عربستان، امارات و فرانسه. ترکیه از مدت‌ها قبل در نبرد داخلی بین دولت وفاق ملی و ارتش ملی لیبی حضور فعالی داشته و توانسته است در تقابل دو طرف در جنگ داخلی کفه سمت نیروهای دولت وفاق ملی را سنگین‌تر کند. غلبه نیروهای فائز سراج بر حفتر نیز باعث شده بازیگران منطقه‌ای و فرماندهی‌های برای جلوگیری از شکست حفتر بی‌پروا تر وارد میدان شوند. روز شنبه، عبدالفتاح السیسی، رئیس‌جمهور مصر که پیش از این به‌صورت خیلی رسمی از حفتر حمایت نمی‌کرد، به دولت وفاق ملی لیبی خبری جدی داد که پیشروی دولت وفاق ملی با کمک ترکیه به سمت شرق لیبی و تصرف شهر سرت و پایگاه الجفره، «خط قرمز» مصر هستند و در صورت تصرف این منطقه باید سراج آماده و یارویی با ارتش مصر باشد. آن گونه که گفته شده، تصرف این پایگاه یکی از اهداف اساسی نیروهای ترکیه و سراج است و آنان در حال حاضر در فاصله کمتر از ۱۵۰ کیلومتری این پایگاه که محل استقرار جنگنده‌های میگ-۲۹ و سوخو-۲۴ روسی است، مستقر شده‌اند. السیسی برای جلوگیری از ادامه پیشروی ترکیه و دولت وفاق ملی روز شنبه از یک پایگاه نظامی در نزدیکی مرز لیبی که مملو از تجهیزات نظامی بود، بازدید کرده و ارتش کشورش برای دخالت احتمالی در جنگ داخلی لیبی آماده‌باش داد و گفت کشورش قبلاً تلاش کرده بود از دخالت خودداری کند، اما اکنون «شرایط تغییر کرده است»، السیسی همچنین از آمادگی کشورش برای تأمین سلاح و تعلیم نظامی قبایل منطقه‌ای در لیبی جهت «دفاع در برابر تروریست‌ها» سخن گفت. به گزارش اسوشیئدپرس، نیروی هوایی مصر از جمله در پایگاه سیدی براتی برای اجرای فرمان رئیس‌جمهور مصر به‌حالت آماده‌باش درآمده است. تهدید نظامی لیبی از سوی مصر در حالی به‌صورت جدی مطرح شده که در هفته‌های گذشته دولت وفاق ملی با پشتیبانی ترکیه، در صحنه میدانی موفقیت‌هایی را کسب کرده‌اند. ترکیه در ماموریت‌های اخیر، کمک‌هایی به نیروهای سراج را افزایش و در مواقع لزوم پهباد در اختیار آنان قرار داده و این باعث شده است آنها بر بخش‌هایی از شرق سوریه تسلط پیدا کنند که منبع درآمدهای نفتی برای حفتر بوده‌اند. بر همین اساس السیسی به نمایندگی از ائتلاف عربستان، امارات و فرانسه، دولت وفاق ملی لیبی را به اقدام نظامی علیه این کشور تهدید کرده است. به‌طور حتم، سرنوشته دومین مداخله نظامی سهمگین‌تر از سوهی قبل خواهد بود و بازنده نبرد قدرت‌های منطقه‌ای در یک سرزمین ویران، لیبی خواهد بود. اما چرا لیبی در این حد اهمیت پیدا کرده است که بازیگران منطقه‌ای و فرماندهی‌های علاقه به نقش آفرینی در آن دارند و حاضر نیستند عرصه را به دیگری واگذار کنند؟ برای بررسی این موضوع باید به اهدافی که هر کدام از این کشورها در لیبی به دنبال آن هستند، اشاره کرد.

ترکیه

۱- جلب توجه مذهبی‌ها و ملی‌گرایان در داخل ترکیه

لیبی یکی از آخرین مناطق جداشده از خاک عثمانی است. بازگشتن این منطقه به ترکیه باعث حمایت دو گروه یعنی مذهبی‌ها و حتی ناسیونالیست‌ها از اردوغان خواهد شد.

۲- نفوذ به آفریقا و ایجاد عمق راهبردی

لیبی دارای جریان‌های قدرتمند مذهبی بوده است. آخرین سلسله پادشاهی این کشور «سنوسی» نام داشت که برگرفته از نام فرقه‌ای از مسلمانان است. ارتش عثمانی طی سال‌های ۱۹۱۱ و ۱۹۱۲ در طول جنگ با ایتالیا بر سر لیبی - که در آن زمان مستعمره عثمانی بود - درگیری‌ها به‌شدت از کمک مبارزان مسلمان استفاده کرد. مصر که راه دست‌نرسی زمینی به لیبی بود تحت اشغال بریتانیا قرار داشت و نیرو رساندن به لیبی به‌دلیل قدرت دریایی ایتالیایی‌ها کار آسانی نبود. بهترین راه در این شرایط اعزام افسران ارتش عثمانی برای آموزش و فرماندهی قبایل مسلمان در لیبی بود. با وجود قرارداد صلح میان عثمانی و ایتالیا آغاز جنگ جهانی اول باعث صدور حکم جهاد از سوی عثمانی شد و شورش‌هایی در لیبی به‌وقوع پیوست که در ابتدا باعث عقب‌نشینی گسترده ایتالیایی‌ها از لیبی شد. این سابقه باعث شده اردوغان به این نتیجه برسد که لیبی همچنان سرزمین مناسبی برای سرپس‌سازی نظامی و ایدئولوژیک در آفریقا است. آنکارا معتقد است در صورت قدرتمندانه در لیبی می‌توانند مجدداً کانال‌های نفوذ پیشین خود در میان مردم مسلمان لیبی را فعال و با هزینه‌ای کمتر این کشور را کنترل کنند. لیبی همچنین می‌تواند محلی برای تأمین نیروهای نیابتی برای ترکیه باشد. اردوغان می‌تواند در صورت دستیابی به جایگاهی مناسب در لیبی، نیروهای نظامی موجود در آن را برای استفاده در مناطق دیگر آفریقا در اختیار بگیرد و از آن منطقه برای ارسال سلاح و تدارکات به دیگر مناطق در شمال و مرکز آفریقا بهره‌برد. کشورهایمانند چاد و سودان که در جنوب لیبی قرار دارند می‌توانند مناطق بعدی در خط نفوذ ترکیه در آفریقا پس از کشور لیبی باشند.